

نقش حضرت ابراهیم در تمدن سازی الهی چه بود و چگونه مقدمات تشکیل امت را فراهم کردند؟

نقش حضرت ابراهیم در تمدن سازی الهی چه بود؟ | بررسی حوادث، معجزات، مقامات و رنج های مسیر رسالت

حضرت ابراهیم علیه السلام دومین پیامبر اولوالعزم و از پیامبران صاحب شریعت بودند که قرآن کریم از کتاب ایشان با عنوان «صحف» یاد کرده است. ایشان به «خلیل الله» شهرت دارند و حدود ۲۰ قرن پیش از میلاد مسیح، در عراق یا حران متولد شدند. حضرت ابراهیم علیه السلام حدود ۲۰۰ سال عمر کردند و در حبرون یا الخلیل فلسطین از دنیا رفتند.

پدر حضرت ابراهیم «تارخ» نام داشت. شخصی که قرآن از او با واژه «أب» یاد کرده و نامش «آزر» است، پدر حضرت نبود؛ زیرا واژه «أب» در زبان عربی می تواند به معنای پدر بزرگ، عمو یا پدرخوانده نیز به کار رود. حضرت ابراهیم علیه السلام همواره از آزر گریزان بودند و از او بیزاری می جستند.

همسر نخست حضرت ابراهیم علیه السلام، دخترخاله ایشان و خواهر حضرت لوط علیه السلام، یعنی «ساره» بود. ساره فرزندان نمی شد و پس از مدتی، کنیز خود یعنی «هاجر» را به حضرت ابراهیم بخشید. حضرت اسماعیل علیه السلام از هاجر متولد شدند و چند سال بعد، حضرت اسحاق علیه السلام نیز از ساره به دنیا آمدند.

نام حضرت ابراهیم علیه السلام بارها در قرآن آمده است و قرآن از نبوت، حوادث زندگی، مقامات و معجزات ایشان سخن گفته است. در عهد عتیق نیز از ایشان نام برده شده و به بخش هایی از زندگی ایشان اشاره شده است. داستان زندگی حضرت ابراهیم سرشار از حوادثی شگرف، تأمل برانگیز و درس آموز است؛ حوادثی که شناخت آن ها می تواند راه تلاش و مجاهدت رهبران الهی برای ساخت تمدن الهی را روشن تر کند.

حضرت ابراهیم علیه السلام در زمانی به پیامبری مبعوث شدند که اجتماعات و تمدن‌های بشری هنوز شکل ویژه‌ای به خود نگرفته بودند. بشر در ابتدای مسیر دریافت شریعت قرار داشت و شریعت خاصی به صورت گسترده میان مردم جریان نیافته بود. حضرت ابراهیم پس از حضرت نوح علیه السلام، با شریعت و کتاب مخصوص خود به هدایت بشر پرداختند.

شریعت، رکن و پایه شکل‌گیری تمدن‌هاست. شریعتی که پایه و اساس تشکیل تمدن الهی بود، قابلیت ارائه یک‌باره به بشر ابتدایی را نداشت؛ از این رو، هر پیامبر تشریعی بخشی از مسیر ابلاغ و تکمیل شریعت را بر عهده داشت و با بعثت پیامبر بعدی، شریعت کامل‌تر می‌شد و پیروی از شریعت جدید بر همگان واجب بود.

شریعت حضرت ابراهیم علیه السلام بر توحید، اطاعت از خدا، اخلاق و فضائل انسانی، مناسک و عبادات، احکام و قوانین الهی استوار بود. نقش ایشان در تشکیل امت الهی و پایه‌ریزی تمدن الهی، نقشی سخت و اثرگذار بود؛ زیرا با مردمی سطحی، مقاوم و ابتدایی روبه‌رو بودند. ایشان در راه تحقق این هدف، رنج‌ها، آزمون‌ها و ابتلاهای فراوانی را با سربلندی پشت سر گذاشتند و همین سربلندی، زمینه رسیدن ایشان به مقام‌هایی چون رسالت، امامت، خُلت، عصمت و قضاوت را فراهم کرد.

در این مقاله، حوادث مهم زندگی، معجزات، مقامات و نقش حضرت ابراهیم علیه السلام در تمدن‌سازی الهی بررسی می‌شود تا روشن شود که ایشان چگونه مقدمات شکل‌گیری امت الهی را فراهم کردند.

حوادث مهم زندگی حضرت ابراهیم علیه السلام

برای فهم شخصیت حضرت ابراهیم علیه السلام، لازم است حوادث زندگی، معجزات و ابتلاهای ایشان را با دقت بررسی کنیم. در زندگی ایشان وقایع متعددی رخ داده است که هر کدام ظرفیت تأمل فراوان دارند؛ اما برخی از این رخدادها، نقشی اساسی‌تر در مسیر رسالت، امامت و تمدن‌سازی ایشان داشته‌اند.

ماجرای شکستن بت‌ها و مقابله با بت‌پرستی

حضرت ابراهیم علیه‌السلام با آزر، که عمو یا پدرخوانده ایشان بود، زندگی می‌کردند. آزر یکتاپرست نبود و با عقاید حضرت ابراهیم مخالفت می‌کرد. او همواره حضرت را از عواقب دیدگاه‌هایشان می‌ترساند و ایشان را از یکتاپرستی منع می‌کرد. سرانجام راه حضرت ابراهیم از آزر جدا شد و ایشان خانه او را ترک کردند و به صورت مستقل به کار و زندگی پرداختند.

حضرت ابراهیم در این دوران نیز از هدایت مردم دست نکشیدند و آنان را از بت‌پرستی برحذر می‌داشتند. واکنش مردم به دعوت ایشان یکسان نبود. افراد اندکی ایمان آوردند؛ برخی ادعا می‌کردند فهم سخنان حضرت برای آنان دشوار است؛ گروهی نیز سرسختانه مقاومت می‌کردند و متعصبانه سخنان ایشان را نمی‌پذیرفتند. آنان می‌گفتند چگونه ممکن است به سخن حضرت اعتماد کنند، درحالی‌که پدران‌شان صدها سال به آیین بت‌پرستی مشغول بوده‌اند.

حضرت ابراهیم علیه‌السلام هیچ‌گاه از موضع توحیدی خود عقب‌نشینی نکردند و تصمیم گرفتند قدمی جدی‌تر در مسیر بیدار کردن مردم بردارند. در روزی که عید بزرگ مردم بود و آنان برای برگزاری جشن به صحرا می‌رفتند، حضرت در شهر ماندند. پس از خالی شدن شهر، تبری برداشتند، وارد بت‌خانه شدند، همه بت‌ها را شکستند و تبر را بر دوش بزرگ‌ترین بت گذاشتند.

پس از بازگشت مردم از جشن، آنان با بت‌های شکسته روبه‌رو شدند و خبر را به نمرود، حاکم ستمگر آن زمان، رساندند. نمرود با کمک مأموران‌ش حضرت ابراهیم را دستگیر کرد و دادگاهی علنی برای ایشان تشکیل داد. هنگامی که قاضی شکستن بت‌ها را به حضرت نسبت داد، ایشان از این موقعیت برای بیدار کردن عقل مردم استفاده کردند و فرمودند از خود بت‌ها پرسید که چه کسی آن‌ها را شکسته است.

وقتی قاضی گفت از سنگ و چوب انتظار سخن گفتن نمی‌رود، حضرت ابراهیم فرمودند: پس شما چگونه چیزی را می‌پرستید که قدرت سخن گفتن ندارد؟ ایشان در ادامه بیان کردند که دشمن سنگ و چوب نیستند، بلکه با گمراهی و نادانی مردم دشمنی دارند و سپس درباره وحدانیت خدا سخن گفتند.

سخنان حضرت، مردم را به فکر فرو برد؛ اما همین تأثیرگذاری، نگرانی نمرود را برانگیخت و او را از تشکیل دادگاه علنی پشیمان کرد. این حادثه نشان داد که آنچه حضرت ابراهیم در تمام دوران رسالت و امامت خود پیگیری می‌کردند، اثبات و ترویج مهم‌ترین مسئله حیات انسان، یعنی توحید و پرهیز از شرک بود.

افکنده شدن در آتش و سرد شدن آن

پس از شکستن بت‌ها و پیروزی معنوی حضرت ابراهیم علیه‌السلام در دادگاه نمرود، به دستور نمرود آتشی بزرگ برای سوزاندن ایشان برپا شد. حضرت را با منجنیق به درون آتش پرتاب کردند. آنچه مسلم است، این است که آتش به اذن خدا بر حضرت ابراهیم سرد شد.

درباره چگونگی تحقق این رخداد، دیدگاه‌های گوناگونی بیان شده است. برخی معتقدند ماهیت آتش به گلستان تغییر کرد. برخی دیگر بر این باورند که خداوند میان حضرت ابراهیم و آتش حائل قرار داد تا آتش ایشان را نسوزاند. در هر صورت، سرد شدن آتش بر حضرت ابراهیم از مهم‌ترین معجزات ایشان در تاریخ ادیان به شمار می‌آید.

قرار گرفتن حضرت ابراهیم در دل آتش، یکی از آزمون‌های سختی بود که ایشان با صبر و ایمان از آن عبور کردند. این واقعه نشان می‌دهد که مسیر تبیین توحید و هدایت مردم، همواره با رنج، تهدید و ابتلا همراه است.

هجرت حضرت ابراهیم علیه‌السلام

برخی از مهم‌ترین حوادث و معجزات حضرت ابراهیم در نتیجه هجرت ایشان رخ داد؛ پس از اجرای شکستن بت‌ها و رأی نهایی نمرود به اخراج و تبعید حضرت ابراهیم از شهر، نمرود به دلیل ورود مگسی از راه بینی به مغزش بیمار شد و از دنیا رفت. هم‌زمان، قحطی و خشکسالی بابل را فرا گرفت و برکت از سرزمین بابل رفت.

حضرت ابراهیم رسالت خود را در آن سرزمین انجام داده بودند و بذر تبیین و آگاهی را در دل مردم کاشته بودند. اکنون این بذرها برای به ثمر نشستن، به گذر زمان نیاز داشتند. ازاین‌رو، زمان آن رسیده بود که حضرت به سرزمینی تازه بروند و رسالت خود را در منطقه‌ای دیگر دنبال کنند.

ایشان همراه همسرشان ساره، حضرت لوط علیه‌السلام و احتمالاً تعدادی از مؤمنان، از بابل به سمت شام حرکت کردند؛ اگرچه نام این مکان به‌صراحت در قرآن نیامده است، با توجه به آیات ابتدایی سوره اسراء، تعبیر می‌شود که منظور از سرزمین مورد اشاره، شام یا بیت‌المقدس است.

در آغاز، مقصد هجرت به‌طور دقیق مشخص نبود. حضرت ابتدا به سوی منطقه شام - شامل سوریه، فلسطین، لبنان و اردن امروزی - حرکت کردند. ایشان مدتی در شهر حران، واقع در جنوب ترکیه امروز، سکونت داشتند و مردم بسیاری را هدایت کردند. سپس به سبب قحطی و خشکسالی به مصر رفتند و پس از مدتی به فلسطین بازگشتند و در آنجا ساکن شدند.

هجرت حضرت ابراهیم علیه‌السلام از نخستین هجرت‌های اثرگذار تاریخ در مسیر ترویج توحید میان مردم و فراهم کردن شرایط برپایی تمدن الهی بود. ایشان این تصمیم را با توکل به خدا و با هدف ایجاد تحولی تازه در سرزمینی جدید گرفتند.

هجرت به مکه، هاجر و جوشش چشمه زمزم

دومین هجرت حضرت ابراهیم علیه‌السلام، هجرت به مکه بود. ساره، همسر حضرت ابراهیم، قدرت فرزندآوری نداشت. حضرت ابراهیم با هاجر ازدواج کردند و حضرت اسماعیل علیه‌السلام متولد شدند. مدتی بعد نیز به اذن خدا، حضرت اسحاق علیه‌السلام از ساره به دنیا آمدند.

پس از تولد حضرت اسحاق، خداوند به حضرت ابراهیم دستور داد که هاجر و حضرت اسماعیل را به مکه ببرند؛ سرزمینی که در آن زمان بیابانی خشک و خالی از سکنه بود. این هجرت یکی از مهم‌ترین آزمون‌های الهی حضرت ابراهیم بود؛ زیرا این سفر، هجرتی موقت و برای بردن هاجر و فرزندش به مکه بود.

حضرت ابراهیم، هاجر و نوزاد را با مقداری آب و خرما در آن سرزمین تنها گذاشتند و به شام بازگشتند. ایشان در این موقعیت دشوار به خدا توکل کردند و خانواده خود را به خداوند سپردند.

پس از مدتی، آب و خرمای هاجر تمام شد و تشنگی، اسماعیل را بی‌تاب کرد. هاجر برای یافتن آب، هفت بار میان صفا و مروه دوید و از شدت تشنگی، هر سو سراب می‌دید. این تلاش هاجر، با عنوان «سعی بین صفا و مروه»، در مناسک حج و عمره برای همیشه ماندگار شد.

هنگامی که هاجر خسته و ناامید به سوی نوزاد بازمی‌گشت، دید از زیر پای اسماعیل آب می‌جوشد. اسماعیل از شدت تشنگی به زمین پا می‌کوبید و خداوند به پاس این بی‌قراری، چشمه زمزم را جاری کرد. جوشش زمزم از معجزات مهمی است که با زندگی حضرت ابراهیم و مسیر سخت هجرت ایشان ارتباط دارد.

رؤیای ذبح حضرت اسماعیل علیه‌السلام

یکی دیگر از ابتلاهای سنگین حضرت ابراهیم علیه‌السلام، ماجرای ذبح حضرت اسماعیل بود. حضرت ابراهیم شبی در خواب دیدند که باید فرزند خود، اسماعیل، را با دستان خویش قربانی کنند. خواب پیامبران حقیقت دارد و شیطان بر آن تسلط ندارد، این رؤیا در شب‌های عرفه و عید قربان نیز تکرار شد.

حضرت ابراهیم ماجرای خواب را با حضرت اسماعیل در میان گذاشتند. حضرت اسماعیل نیز این دستور را با یقین پذیرفتند. حضرت ابراهیم، با قلبی سرشار از محبت نسبت به فرزندشان، اسماعیل را به قربانگاه مکه بردند و آماده ذبح او شدند. در همین هنگام، ندای الهی رسید که: «ای ابراهیم! قربانی تو پذیرفته شد. اسماعیل را رها کن و گوسفندی را قربانی کن.» حضرت ابراهیم خدا را شکر کردند و گوسفندی را به جای فرزندشان قربانی کردند.

این حادثه، رخدادی تأمل‌برانگیز در زندگی حضرت ابراهیم است و می‌توان آن را از معجزات ایشان نیز دانست. همچنین این واقعه نشان می‌دهد که بزرگ‌ترین نصرت‌ها و فتوحات الهی زمانی به دست می‌آیند که جبهه توحید، خدا و مسیر توحید را بر علایق و سلیقه‌های خود مقدم بدارد.

اگر حضرت ابراهیم به ذبح حضرت اسماعیل اقدام نمی‌کردند یا به دستور خدا، همسر و نوزاد خود را در بیابانی بی‌آب و خالی از سکنه رها نمی‌کردند، رسیدن به چنین مقام‌هایی برای ایشان ممکن نبود. مقام‌هایی چون امامت و خُلت، در نتیجه ذبح علایق و محبوب‌های حضرت ابراهیم در راه خدا و جهاد برای او حاصل شد.

ساخت خانه خدا و بنای کعبه

خداوند به حضرت ابراهیم دستور داد خانه‌ای برای عبادت در مکه بنا کنند. خانه کعبه از زمان حضرت آدم علیه‌السلام در مکه وجود داشت، اما بعدها در جریان طوفان حضرت نوح علیه‌السلام آسیب دیده بود. حضرت ابراهیم همراه حضرت اسماعیل علیه‌السلام با تلاش فراوان به ساخت کعبه مشغول شدند. حضرت اسماعیل سنگ‌ها را از بیابان‌های اطراف به کنار سازه می‌آوردند و حضرت ابراهیم دیوارهای کعبه را به تدریج بالا می‌بردند.

در هنگام ساخت کعبه، حضرت ابراهیم به دنبال سنگی بودند تا آن را در رکن شرقی کعبه قرار دهند. خداوند سنگ بهشتی حجرالاسود را از آسمان نازل کرد و حضرت آن را در رکن شرقی کعبه نصب کردند.

ساخت خانه خدا اقدامی در مسیر ترویج توحید بود تا همگان بدانند تمام عالم باید حول یک کانون متمرکز شود و قلب همگان به یک مرکز واحد جهت بگیرد. طواف جسم و قلب انسان‌ها دور یک کانون واحد الهی، یکی از ارکان شکل‌گیری امت یکتاپرست است.

زنده شدن پرندگان؛ معجزه‌ای برای مشاهده احیای مردگان

حضرت ابراهیم علیه‌السلام از خداوند درخواست کردند که زنده شدن مردگان را به ایشان نشان دهد. خداوند نیز به ایشان دستور داد چند پرنده مختلف را ذبح کنند، اجزای آن‌ها را با یکدیگر مخلوط کنند و هر بخش را بر فراز کوهی قرار دهند. سپس پرندگان را صدا بزنند.

حضرت ابراهیم دستور الهی را اجرا کردند. هنگامی که پرنده‌گان را فراخواندند، اجزای هر پرنده به‌سوی یکدیگر رفت و هر پرنده جداگانه زنده شد و به سمت حضرت آمد. زنده شدن پرنده‌گان از جذاب‌ترین معجزات حضرت ابراهیم علیه‌السلام به شمار می‌آید.

مقامات حضرت ابراهیم علیه‌السلام

شناخت مقامات حضرت ابراهیم علیه‌السلام، برای درک نقش ایشان در تمدن‌سازی الهی ضروری است. مقامات الهی رهبران، نشان‌دهنده وسعت نفس، ظرفیت وجودی و توان آن‌ها برای هدایت انسان‌ها در مسیر تشکیل امت الهی است.

مقام رسالت

حضرت ابراهیم صاحب مقام رسالت بودند؛ مقامی که از مقام نبوت رفیع‌تر است. پیامبران تشریعی که دارای مقام رسالت و شریعت مخصوص بودند، تعداد محدودی داشتند و حضرت ابراهیم یکی از آنان بود. داشتن شریعت خاص، نقش حضرت ابراهیم را در تمدن‌سازی پررنگ‌تر می‌کرد.

خداوند مقام نبوت را به برخی از فرزندان حضرت ابراهیم نیز عطا کرد؛ از جمله حضرت داوود، حضرت سلیمان، حضرت ایوب، حضرت یوسف، حضرت موسی و حضرت هارون علیه‌السلام. همچنین نسل حضرت محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) نیز به حضرت اسماعیل و در نتیجه به حضرت ابراهیم می‌رسد.

مقام امامت

نکته مهم آن است که قرآن پس از اشاره به نبوت حضرت ابراهیم، از مقام امامت ایشان سخن می‌گوید؛ مقامی که جایگاه و منصبی بالاتر از رسالت دارد. خداوند رسیدن حضرت ابراهیم به این مقام عظیم را نتیجه سربلندی ایشان در آزمایش‌ها و ابتلاهای سخت الهی دانسته است.

حضرت ابراهیم تمام مراحل یقین را طی کرده بودند و ابلاغ مقام امامت، در زمانی که ایشان پیامبر بودند، از طریق وحی به آنان رسید. امامت، افزون بر امتیازهای رسالت، دارای شئوناتی مانند رهبری سیاسی، مرجعیت ولایی و مرجعیت دینی است. این شئونات تنها در شمار محدودی از پیامبران الهی وجود دارد و آنان را از دیگر پیامبران متمایز می‌کند. اجرای نقش حضرت ابراهیم در تمدن‌سازی، بدون مقام امامت و مرجعیت ولایی ایشان ممکن نبود.

مقام خُلّت

مقام خُلّت، عالی‌ترین درجه نزدیکی و صمیمیت با خداوند است. این واژه از ریشه «خُلّة» به معنای دوستی و محبت عمیق میان دو فرد یا موجود خاص گرفته شده است.

ویژگی‌های حضرت ابراهیم، ایشان را شایسته این مقام کرد؛ ویژگی‌هایی مانند توحید، صداقت در دین، فداکاری، تسلیم در برابر اراده خدا و رهایی از تعلقات دنیوی. مقام خُلّت مقامی بود که افراد بسیار کمی از آن برخوردار بودند؛ حتی حضرت موسی علیه‌السلام با وجود مقام رسالت و نبوت، مقام خُلّت را نداشتند. مقام خُلّت نمادی از ارتباط کامل و بی‌وقفه با خداوند است. حضرت ابراهیم پس از پذیرفته شدن در آزمون‌های سخت و اثبات ایمان راسخ خود به خدا، به این مقام دست یافتند.

مقام عصمت

آیات قرآن به‌صورت ضمنی به عصمت حضرت ابراهیم اشاره کرده‌اند. عصمت به معنای مصونیت از گناه، خطا یا اشتباه است. این ویژگی به پیامبران و امامان اختصاص دارد تا بتوانند رسالت الهی را به‌درستی و بدون انحراف به مردم منتقل کنند.

اگر پیامبران الهی معصوم نباشند، ممکن است در ابلاغ دین دچار اشتباه شوند و این اشتباه، موجب تحریف دین و گمراهی مردم شود. از سوی دیگر، اگر مردم بدانند پیامبرانشان دچار خطا و اشتباه می‌شوند، نمی‌توانند به آنان اعتماد کنند، از آنان پیروی کنند و آن‌ها را الگوی کامل خود قرار دهند.

مقام قضاوت

مقام داوری یکی از مهم‌ترین مقام‌هایی بود که خداوند به حضرت ابراهیم علیه‌السلام عطا کرد. قضاوت حضرت ابراهیم نشانه‌ای از قدرت عقلانی و ظرفیت بالای ایشان در تفکر و تعامل با مسائل اخلاقی و اجتماعی به شمار می‌آید. قرآن کریم نیز به مقام قضاوت حضرت ابراهیم اشاره دارد.

عقل و حکمت حضرت در قضاوت، ایمان راسخ، تجربه و آگاهی ایشان، از جمله دلایل اعطای مقام قضاوت به حضرت ابراهیم بود. مقام قضاوت ایشان بر جامعه و پیروانشان تأثیرات فراوانی داشت؛ از جمله تثبیت عدالت، تثبیت اخلاقیات و ایفای نقشی مؤثر در سازندگی حکومت اسلامی در آینده.

نقش حضرت ابراهیم در تمدن‌سازی الهی

ساخت تمدنی الهی که سلامت نفس انسان و شباهت قلب او به خداوند را محور خود قرار دهد، سخت‌ترین رخداد عالم است. تحقق این هدف، که در واقع هدف خلقت انسان است، به قرن‌ها صبر، رنج و تلاش رهبران الهی متخصص و پیروان صالح آنان نیاز دارد.

در شخصیت، سیره، حوادث و وقایع حیات حضرت ابراهیم علیه‌السلام، نکته‌ها و اقداماتی دیده می‌شود که هرکدام عاملی مهم برای فراهم شدن زمینه تمدن‌های الهی هستند.

آنچه حضرت ابراهیم در تمام دوران رسالت و امامت خود به دنبال اثبات و ترویج آن بودند، اعتقاد به توحید و یگانگی خدا و پرهیز از شرک و شریک قرار دادن برای خدا بود.

ایشان در ماجرای شکستن بت‌های بت‌خانه، پیش از هر اقدامی، همه همت و تلاش خود را بر این مسئله متمرکز کردند تا به همگان بیاموزند بدون اعتماد به وحدانیت خدا، نمی‌توان در مسیر هدایت مردم، ترویج دین خدا و تبلیغ آن قدمی برداشت.

برپایی تمدن الهی و تشکیل امتی یکتاپرست و انسان محور، بدون ایمان به توحید و عمل در مسیر آن ممکن نیست. ساخت خانه خدا نیز اقدامی در همین مسیر بود؛ اقدامی برای آنکه همگان بدانند تمام عالم باید به یک کانون متمرکز شود و قلب و جسم انسان ها حول یک محور الهی طواف کنند.

حضرت ابراهیم با ابلاغ شریعت خود، آوردن کتاب الهی و تبیین احکام شریعت، به مردم آموختند که یکی از مهم ترین ملزومات ساخت تمدن الهی، وجود شریعتی متقن و محکم است؛ اگر شریعتی وجود نداشته باشد تا با قوانین و دستورالعمل های خود مردم را از پراکندگی نجات دهد و حد و حدود رفتار، سبک زندگی فردی و زندگی اجتماعی را مشخص کند، برپایی تمدن الهی و تشکیل امت الهی ممکن نخواهد بود.

چنددستگی افراد، افراط و تفریط آنان در زندگی فردی و اجتماعی و رها شدن از هرگونه قید و بند، امکان اتحاد و تعهد قلبی را که لازمه تمدن های الهی است، از میان می برد.

از مهم ترین نکاتی که در سیره تمدن ساز حضرت ابراهیم دیده می شود، این است که ایشان زمانی مراتب رشد معنوی را یکی پس از دیگری طی کردند که در برابر آزمون های مکرر و ابتلاهای سخت الهی سربلند شدند. قرار گرفتن در دل آتش، هجرت های چندباره، رها کردن همسر و فرزند در بیابان، ذبح فرزند و دیگر ابتلاهای زندگی حضرت ابراهیم، همگی بخشی از این مسیر بودند. حضرت زمانی به مقام امامت رسیدند که از آزمون های سخت دوران رسالت خود با صبوری عبور کردند.

سیره حضرت ابراهیم همچنین به ما می آموزد که در مسیر پذیرش و تبیین توحید و سپس تشکیل امت الهی، نباید از ابتدا منتظر معجزه ماند و دست از تلاش کشید. حوادث و معجزات زندگی ایشان نشان می دهد معجزات الهی زمانی در مسیر توحید و تمدن سازی به کمک انسان می آیند که انسان رنج ها، زحمت ها، تلاش ها، صبرها و دویدن های فراوانی کرده باشد و صدق خود را در این میدان اثبات کند.

پس از این تلاش و اثبات صدق، درهای رحمت الهی گشوده می شود و فوج فوج ملائک به اذن خدا به کمک انسان می آیند. مسیر تمدن سازی الهی مسیری است که خداوند اراده کرده ابتدا با خواست، میل و تلاش انسان ها شکل بگیرد، نه بر پایه معجزات الهی.

ضرورت رهبری متخصص، الهی، انسانی و معصوم از خطا

از حوادث و سیره حضرت ابراهیم در دوران رسالت و امامت می‌آموزیم که طراحی خدا برای هدایت بشر و سوق دادن انسان‌ها به قرار گرفتن در رحم تمدنی الهی، برای رسیدن به سعادت دنیا و آخرت، بدون وجود رهبری الهی ممکن نیست.

تنها رهبری که با رنج و مرارت فراوان، گذر از آزمون‌ها و ابتلاهای متعدد و کسب مقام‌هایی چون قضاوت، خُلت، عصمت و دیگر مقامات الهی، تأیید خداوند را به دست آورده است، می‌تواند راه و رسم دقیق عبور از مسیر تربیت الهی و انسانی را به بشر بیاموزد.

چنین رهبری، ساخت تمدن الهی را بر اساس ساختار نفس انسان پیش می‌برد و رموز سعادت دنیا و آخرت را می‌شناسد.

یکی دیگر از درس‌های تمدن‌ساز سیره حضرت ابراهیم این است که بزرگ‌ترین نصرت‌ها و فتوحات الهی، غالباً زمانی به دست می‌آیند که جبهه توحید از علایق خود عبور کند و خداوند و مسیر توحید را بر علایق و سلیقه‌های خویش مقدم بدارد.

مقام‌هایی مانند امامت و خُلت، نتیجه ذبح علایق و محبوب‌های حضرت ابراهیم در راه خدا و جهاد برای او بود. اگر حضرت ابراهیم به چینش و اولویت‌بندی درست معشوق‌های خود نمی‌رسیدند، رشد ایشان ممکن نبود و ایفای نقش مؤثرشان در تمدن‌سازی نیز تحقق پیدا نمی‌کرد.

ماجرای ذبح حضرت اسماعیل و دستور رها کردن هاجر و نوزادش در بیابانی بی‌آب و خالی از سکنه، نمونه‌هایی از همین گذر از علایق در مسیر اطاعت از خدا هستند. این نکات از سیره حضرت ابراهیم، محل آموزش شیوه تمدن‌سازی برای تمام رهروان جبهه حق است.

حضرت ابراهیم علیه السلام با شریعت خود، تبیین توحید، مقابله با شرک، هجرت‌های متعدد، تحمل رنج‌ها و ابتلاهای سخت، ساخت کعبه و تربیت نسل توحیدی، مقدمات تشکیل امت الهی را فراهم کردند.

معجزات ایشان - از سرد شدن آتش و زنده شدن پرندگان تا جوشش زمزم و ماجرای ذبح حضرت اسماعیل در کنار حوادث زندگی و مقامات الهی ایشان، نشان می‌دهد که تمدن‌سازی الهی بدون توحید، شریعت، رهبری الهی، صبر در ابتلاها، تلاش مستمر و عبور از علایق ممکن نیست.

حوادث زندگی حضرت ابراهیم و معجزات ایشان، راهی برای شناخت حقیقت تلاش و مجاهدت پیامبران الهی در مسیر ساخت تمدن الهی است و می‌تواند برای کسانی که قلب خود را زمین مستعد پذیرش درس‌ها و پندهای رهبران الهی قرار داده‌اند، چراغ راه باشد.